

... و تا جامعه‌ای دموکراتیک

*سروش ملت پرست**

سده ها است همراه با تعریف دموکراسی به منزله تاکتیکی جهان گستر، از تکنیک های گوناگونی بهره می برند در جهت تقویت ساختارهای دموکراتیک و انسجام هر چه بیشتر میان نهاده دموکراسی و جامعه انسانی کنشگر پیرامون آن همچون دموکراسی مستقیم، دموکراسی نخبیگان، دموکراسی پارلمانی، دموکراسی سوسیالیستی و . . . که مترادف است با نفی هرگونه رویت بت انگارانه به دموکراسی. دموکراسی در جهان معاصر و نظام بین الملل آن اندازه نفوذ یافته است که اکثریت نظام های سیاسی حداقل در فرم و آرایش شکلی (بنا به ضرورت های زمانه) سرسختانه متمایلند به تدوین قواعدی شبه دموکرات با ارائه پیشوندها و پسوندهای دموکراتیک متناسب به خود و البته دقیقاً در تضاد با انبوه معضلاتی که ماهیت این گونه نظام ها را به زیر سؤال برده است مانند: دکماتیسیم، تبعیض، تمرکزگرایی، خودکامگی، میلپترایسم، نفی مطلق اپوزیسیون و . . .

تغییرات در راه تحقق فرهنگ دموکراتیک صددرصد می بایست از خود من، از خود ما و از خود مردم آغاز شود چرا که دموکراسی ایده آل را نه حاکمیت ها و نه سایر ممالک به جامعه نسبتاً ایستای ایران هدیه نخواهند داد و کالای وزینی به نام دموکراسی در هیچ بازار مکاره‌ای به مزایده و مناقصه گذاشته نخواهد شد.

(کماینگه اصلاحاتی ریشه ای و نه بادبنیان چنین حکمی دارد!)
یک سوی عالم با ۳۰۰-۲۰۰ سال تقدم زمانی ناشی از تکوین و تاسیس ذهنیتی مدرن-نقاد و پویا، دموکراسی را نهادهینه کرده آن را با پلورالیسم (کثرت گرایی) ترکیب کرده و حال در تعقیب پروسه جهانی شدن است و به پروسه غربی سازی جهان نگران چندسویه دارد.
دیگر عالم مثلاً اینجا (در ایران) از مشروطه تاکنون جامعه چه له لاهی می زند که بنا است نهال دموکراسی غرس شود، جوانه بزند و . . . که نهاد دموکراسی را پاس بداریم چرا و چرا و چرا؟

جداً از اصطکاک دائمی مردم با ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و . . . دیرزمانی است که در اقلیم عقیم همرنگی با جماعت، افت فاجعه بار فردیت ها و گم گشتگی ها یکی پس از دیگری، [افول فرهنگ اجتماعی ایران در کلیه زمینه ها] را دربر داشته است. به یقین نیاز اساسی جامعه ایران نوزایی- رستاخیزی است فرهنگی در تلقیقی راستین و نه جعلی میان مدرنیته و ریشه ها و موارث فرهنگ ایرانی تا به مدد یک زلزله صدها ریشتری در ذهن جامعه (که حال با مثبت اندیشی تنها می توان مفهوم مدرنی از همان توده را در آن به تماشا نشست) جهت حرکتی نو و موثر به سوی دموکراسی، انسان هایی نوگرا را که به نظر دانیل لرنر دارای مشخصه‌صاتی این-چنینینند پدیدار ساخت:

جهت گسترش و نهادهینه شدن دموکراسی در طول- عرض و عمق جامعه، از ذهنیت قوی تر و غنی تر جامعه ایرانی در تقابل با ساختارهای مبهم و فرسوده، محیط انتظاری می رود رفکاره و حرکتی فعالانه و نه متعطلانه، جست وجوگر شکل گیرد.

در سال های اخیر که برداشت های سطحی از فرهنگ و تمدن غرب باب شده و به جای کار سخت تر و عمیق تر یعنی آشنایی با اندیشه ها و معرفت یافتن بین مایه ها و درنمایه های فرهنگ غرب، رویکرد سهل تر و صرفاً ابزاری به جهان غرب و جهان مدرن رایج شده است. این رویه را باید نفی کنیم که خود و پیرامون خود را با مصنوعات غربی آراستن، از خودبیگانگی نام دارد و نه مدرنیته و تکیه به ابزار غربی به جای تاکید بر اندیشه مدرن- غربی تنها و تنها معرف نوعلی مدرنیته سرپا تاختیری و جعلی شده است و فاصله میان شبه دموکراسی تا دموکراسی را تنها در گذر از این لایه های معرفتی می توان طی کرد.

از آنجا که ما نیز چون تمامی اینای بشر با نیازها، غرایز و اندیشه های خویش درگیریم، لازم است تمامی مفاهیم و مقولات از آسمان به زمین آمده و برای همین مردم و در همین جامعه جنبه مقبولیت و کارکردی بیابند. از یاد نبریم وظیفه محوری و کارکرد فوق تصور خانواده ها

را در زمینه پرورش و تربیت فرزندان (که با توجه به ناهنجاری های موجود در سطح جامعه که متأسفانه در آستانه تبدیل شدن به هنجار! قرار دارند نظیر هوجی گری، هتاکی و . . .) که به نظر می رسد مورد غفلت واقع شده و در صورت توجه همه جانبه می تواند بستر ذهنی- روانی مساعدی را برای القا و پذیرش وجوه فرهنگی و جامعه پذیری آتی کودکان فراهم آورد تا به پیوستم یکدک رفرم اساسی در ساختار و کارکردهای آموزش و پرورش- دانشگاه در گذر زمان نسلی ساخته شود پایبند به فرهنگ دموکراتیک که همواره با احترام به حقوق خود و سایرین، احترام به روح جمعی یعنی قانون اساسی و اجرای اجتناب ناپذیرش را بدون هیچ تمایزی در سطوح خرد و کلان جامعه انتظار داشته باشد.

*** بندر انزلی**



صد نکته

چالش روحانیت با دولت

گزارش سال ۱۳۴۱
در نیمه اول فروردین ماه این سال، دانشگاه تهران که در پی تظاهرات علیه دولت امینی در بهمن ماه سال پیش تعطیل شده بود، بازگشایی روحانیون را در پی داشت و فردای همان روز آیت‌الله حاج آقا روح‌الله – امام خمینی بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی، قدس سره- همراه باآیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری در منزل آیت‌الله حائری در قم گرد آمدند و تصمیم گرفتند ضمن اعلام هشدار به سایر روحانیون بلندپایه در جلب همکاری آنان، طی تلگرافی از شاه بخوانند که مصوبه هیات دولت را لغو کند. روز ۱۷ مهرماه هر یک از مراجع تقلید جداگانه طی تلگرافی در کمال احترام و ملایمت از شاه‌خواستند تا نسبت به لغو تصویب‌نامه دولت اقدام کند. روز ۲۱ همین ماه، سرگرد شهرستانی رئیس کلانتری بهارستان که متهم به قتل دکتر خاتعلی بود در دادگاه نظامی محکوم به دو سال زندان شد. شاه در پاسخ به تلگراف آیات عظام، روز ۲۳ مهرماه خطاب به آنان نوشت: «... تلگراف جنابعالی واصل شد و از ادعیه خالصانه‌ای که اظهار داشته اید خوشوقی و امتنان داریم. بازه ای قوانین که از طرف دولت صادر می شود، چیز تازه‌ای نیست و یادآور می‌شویم که ما بیش از هر کس در حفظ شعار دینی کوشا هستیم و این تلگراف برای دولت ارسال می شود. ضمناً توجه جنابعالی را به وضعیت زمانه و تاریخ و همچنین به وضع سایر ممالک دنیا جلب می‌نمایم. توضیحات جناب مستطاب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت افکار عوام خواهیم...».
در دو روز بعد، هوارد پیچ رئیس شرکت‌های شش گانه کنسرسیوم و عاقد قرارداد نفت در راس یک هیات شش نفری برای مذاکره پیرامون نفت ایران، وارد تهران شد. روز ۲۸ مهرماه، علمای اعلام و آیات عظام با توجه به تلگرام شاه، تلگرام‌های تندی را برای امیراسدالله علم‌نخست‌وزیر فرستادند و اقدامات دولت را مخالف شرع اقدس و مابین صریح قانون اساسی دانستند. در تلگراف آیت‌الله خمینی به علم آمده است: «... در تعطیلی طولانی مجلسین دیده می‌شود دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مابین صریح قانون اساسی است. مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی عوام موضوعه مجلس شورای ملی برای شخص جنابعالی و دولت ایجاد مسئولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر و قاهر و نزد ملت مسلمان و قانون خواهد کرد. در خاتمه یادآور می‌شود که علمای اعلام ایران و اعیان مقدسه و سایر مسلمین در امور مخالف با شرع ساکت نخواهند ماند...».

روز ۲۸ تیرماه، دولت آمریکا اعلام کرد ۶۷ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار در دوره ۱۴ ماهه نخست وزیری دکتر علی امینی به دولت او کمک مالی کرده است و در همان روز، امیر اسدالله علم فرمان نخست‌وزیری خود را از شاه گرفت. روز ۱۶ مردماه، هنگامی که دکتر علی امینی همراه با خانواده خود قصد خروج از کشور را داشت، در فرودگاه مهرآباد با مخالفان سیاسی خود روبه‌رو شد که با تظاهرات و فریادخواهان دستگیری و محاکمه او بودند. سرانجام دکتر امینی در پناه نیروهای شهربانی از چنگ مخالفان خودرهایی یافت و با هواپیمای به سوی کشور سوئیس پرواز کرد. برخی مطبوعات نیز در همان روز به دکتر امینی تاختند و وی را به نقض قانون اساسی متهم کردند.

روز ۱۰ شهریورماه ساعت ۱۱ خشم طبیعت جنبدین گرفت و زلزله شدیدی منطقه بوین‌زهر- از توابع قزوین- را با خاک یکسان کرد. این زمین لرزه ۲/۰/۰۰۰ کشته و ۱۰۵ روستای ویران شده بر جای نهاد و به همین مناسبت روز ۱۱ شهریورماه عزای ملی اعلام و از همه جهان تقاضای کمک‌رسانی به این فاجعه انسانی شد. روز ۱۲ شهریورماه دبیر کل سازمان ملل از همه کشورهای جهانی خواست تا به کمک آسیب‌دیدگان زلزله بوین‌زهر بشتانند. شادروان غلامرضا تختی نیز که بر دل ایرانیان حکومت داشت، در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان گوی سبقت از دیگران را ربود. وی در حالی که جعبه‌ای به گردن آویخته بود، میان بازاریان و کاسبان می‌چرخید و آنان نیز از بذل جان و مال دریغ نداشتند.

روز ۲۴ شهریورماه میان دولت‌های ایران و شوروی یادداشت‌هایی در رفع اختلافات دو کشور و عدم واگذاری پایگاه‌های موشکی در ایران به سایر دولت‌ها، امضا و مبادله شد. در نخستین روز از خزان این سال، پنج سپهد – که بیشترشان از نقش آفرینان کودتا بودند – به دستور شاه بازننشسته شدند. فضل‌الله زاهدی، مهدی‌قلی علوی‌مقدم، علی کیا، قهار قلی شاهرخ‌شاهی و تیمور بختیار سپهبدان بازنشسته‌ای بودند که هر چند در تحکیم خودکامگی شاه کوشیده بودند، اما اکنون هر یک به دلیلی مورد خشم قرار گرفته بودند. ۱۴ مهرماه این سال، هیات دولت لایحه جدیدی را در غیاب مجلسین به تصویب رساند که این لایحه و پیاده‌های آن، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. لایحه تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی در حالی به تصویب هیات دولت امیراسدالله علم رسید که برای نخستین بار و بر خلاف قانون اساسی، قید



صد چهره

حسین ایمانی: حاج شیخ احمد روحی پسر دوم شیخ‌العلماء آخوند ملامحمد جعفر کرمانی در سال ۱۲۷۲ هجری قمری (۶- ۱۸۵۵ میلادی) در شهر کرمان به دنیا آمد. مبانی علم فقه و اصول و حدیث را در کرمان یاد گرفت و نیز چندی در مسجد میدان قلعه و مسجد میرزا جبار کرمان امام جماعت بود. کرمان را با میرزا آقاخان به طرف اصفهان ترک کرد و از آنجا نیز به تهران رفتند که در تهران شیخ احمد برای مدتی مشغول به تدریس تفسیر قرآن شد. سپس از تهران به رشت رفتند، در این شهر مدتی میهمان والی شهر مویدالدوله بودند که این شخص وقتی باخبر شد که آنها مورد اتهام دربار ناصرالدین‌شاه هستند، آنها را بیرون کرد. بدین ترتیب آنها به استانبول رفتند و در آنجا شیخ احمد زبان‌های فرانسه، انگلیسی و ترکی استانبولی به فراگرفت و تعدادی کتاب از زبان‌های انگلیسی و فرانسه به فارسی ترجمه کرد. سپس از استانبول به زیارت مکه رفت و

مشروطه

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۵۸



در هشت آبان ماه دولت علم در برابر فشار روحانیون گامی فراپس نشست و تصویب‌نامه خود در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی را لغو کرد. وی در تلگرافی به آیات عظام نوشت: «... عطف به مرقومه جنابعالی و سایر آقایان روحانیون و مراجع محترم، موضوع انتخابات انجمن‌های ولایتی و ایالتی در جلسه هیات دولت مطرح و تصویب شد که تصویب‌نامه مورخ ۱۴/۷/۴۱ قابل اجرا نخواهد بود. نخست‌وزیر اسدالله علم.»

با اجرای قانون اصلاحات ارضی و طرح لایحه سهیم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها، اکنون روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی نیز گرم‌تر شده بود. نیکیتا خروشچف روز ۲۲ آذرماه اعلام کرد روابط ایران و شوروی عمیقاً بهبود یافته است و شش روز بد، معاون وزارت امور خارجه شوروی، به همراه یگوف وارد تهران شد. همچنین حزب توده به تبع سیاست اتحاد جماهیر شوروی اصلاحات در ایران را مورد تایید قرار داد.

نخستین روز دی ماه طرح تازه دولت مبنی بر تشکیل سپاه دانش به منظور مبارزه با بی‌سوادی آغاز شد. در چهار دی‌ماه شاه به تبریز رفت و خطاب به عشایر فارس هشدار داد که سلاح‌های خودشان را تحویل دهند وگرنه محو و نابود می‌شوند. از ۱۹ دی‌ماه، وزارت کشاورزی در حمایتی به نام «کنگره عظیم دهقانان» ۳۵۰۰ نفر از کشاورزان را در تهران گرد آورد و شاه که ریاست افتخاری کنگره را بر عهده داشت، طی نظامی مواد شش‌گانه زیر را به نام «اصلاحات اجتماعی» اعلام و تقاضای رفراوندم کرد: ۱- لغای رژیم ارباب و رعیتی، یا تصویب اصلاحات

ارضی
۲- تصویب لایحه قانون ملی کردن جنگل‌های سراسر کشور

۳- تصویب لایحه فروش سهام کارخانجات [کارخانه‌های] دولتی، به عنوان پیشروانه اصلاحات ارضی
۴- تصویب لایحه قانونی سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات [کارخانه‌ها]
۵- لایحه اصلاحی قانون انتخابات
۶- لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری.
در پی این اقدام روز ۲۳ دی‌ماه اسدالله علم اعلام کرد که روز شش بهمن ماه، لوايح شش‌گانه شاه به رفراوندم گذاشته خواهد شد و دو روز بعد آئین‌نامه رفراوندم انتشار یافت و پنج میلیون برگ تعرفه در سراسر کشور پخش شد.

روز اول بهمن ماه جمعی از بازاریان و متدینین تهرانی نامه‌ای حضور آیت‌الله العظمی خمینی فرستادند و درباره رفراوندم استفتای شرعی کردند. ایشان نیز با برشمردن پنج دلیل فتوای خود را مبنی بر تحریم رفراوندم اعلام کردند. این استفتای شرعی و پاسخ آن‌بی درنگ توسط اشخاص و هیات‌های مذهبی چاپ و در سراسر کشور پخش شد. از مباداد دومین روز بهمن ماه تظاهرات گسترده‌ای تهران را فرا گرفت. بازاریان و کسبه با بستن مغازه‌های خود به خیابان‌ها ریختند و علیه رفراوندم راه‌پیمای و تظاهرات تا ملت مسلمان از مصیبت‌های وارد بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند...
.

روزیهای پایانی این سال به زده‌خورد و جنگ تمام‌عیار و در جنوب کشور میان عشایر مسلح و ارتش هم پذیرفتند و همراه با سایر روحانیون در پیشاپیش مردم به شاه درگرفته بود، در میان خون و آتش و ماتم و عزا گذشت.

شیخ احمد روحی: اول مرا بکش

موفق شده بود که گذرنامه خود را با وانمود کردن به اینکه خدمتکار شیخ ابوالقاسم برادر شیخ احمد است دریافت کند و به هنگام عبور از طربووزان به ملاقات آنها رفته بود. به همین خاطر پس از ترور ناصرالدین‌شاه توسط میرزا رضای کرمانی آنها نیز به معاونت در قتل متهم شدند و دولت ایران خواستار استرداد آنها از دولت عثمانی شد و این خواسته اجابت گردید. بالاخره مامورین دولت عثمانی آنها را تحت الحفظ تا مرز آوردند و به رستم‌خان که مامور تحویل گرفتن آنها شده بود تسلیم کردند و او آنها را به تبریز برد و در عمارت دولتی حبس کرد. با اینکه هنوز میرزا رضا قاتل اصلی ناصرالدین‌شاه به احترام ماه محرم و صفر در تهران زنده بود امین السلطان حکم قتل آنها را صادر کرد و از ترس اینکه ایالت‌الدوله که تازه مامور و پشکار آذربایجان شده بود آنها را از کشتن نجات دهد لذا در قتل آنها تعجیل بسیاری

تقویم

یاعداالتخانه یا مرگ

مهدی محمودیان:
صبح ۲۲ تیرماه ۱۳۸۵
امروز مردم طبق سفارش علما به سر کارهای خود رفتند و مغازه باز شد اما کماکان سربازها و قزاق‌ها در بازار و کوچه‌ها پر بودند. عین‌الدوله فشار را به مسجیدیان سخت‌تر کرد و از ورود آذوقه و آب به داخل مسجد به شدت جلوگیری می‌کرد و اجازه رفتن به داخل مسجد را به کسی نمی‌داد و البته از خروج مردم از مسجد جلوگیری به عمل نمی‌آورد. مردم نیز که از وضعیت علما مطلع بودند تا آنجا که امکان داشت با التماس و گریه از سربازها می‌خواستند تا مقداری غذا به داخل بیاورند ولی آن مقدار برای رفع گرسنگی و تشنگی مسجیدیان کافی نبود.

سربازها به شدت از ورود افراد به مسجد جلوگیری می‌کردند. حتی آقامیرزا سیدعلی پسر مرحوم بهبهانی را هنگام ورود به مسجد مانع شدند و وقتی او اصرار به ورود کرد صاحب منصب سربازها چنان سیلی‌ای به گوش آقازاده زد که خود شرمندۀ شد و ایشان با صورتی سرخ و چشمی گریان خدمت پدر رسید.

بهبهانی با دیدن این صحنه خطاب به نزدیکان و خواصش خطابه‌ای خواند و آنها را در ماندن یا رفتن آزاد گذاشت. «صدراعظم با من غرض دارد نه شما، اگر صدمه‌ای وارد آید بر شما برای خاطر من است، پس بهتر این است که هر کس هر جامی خواهد برد، ما از اولاد خود توقع یاری و معاونت نداریم، ما کشتن و اسیری و تبعید و نفی بلد بلکه حبس در بلاد دیگر را بر خود می‌بینیم.» خواص نیز می‌دانستند حتی اگر



بیرون هم روند توسط عین‌الدوله بازداشت و کشته خواهند شد. فلذا گفتند: «مردن با شما آقایان برای ما بهتر و خوش‌تر است. وانگهی سعادت ابدی را با افتخار و شرف داریم.»

ملک‌زاده در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران به نقل از معتمدخاقان از محام مظفرالدین‌شاه به دیدار عین‌الدوله و شاه در نیمه‌های شب در عمارت گلستان اشاره می‌کند.

در این ملاقات مظفرالدین‌شاه که از وجود اغتشاش در شهر مطلع بود، چگونگی آن را می‌پرسید، که عین‌الدوله پاسخ می‌دهد: «مطلب مهمی نیست فقط یک عده از مفسده‌جویان را می‌خواستیم دستگیر و از شهر تبعید کنیم که آنها از ترس‌شان به مسجد جامع پناه برده‌اند و جمعی از ملاها هم که طرفدار میرزاعلی اصغرخان اتابک هستند و با پول او این اغتشاش‌ها را برپا می‌کنند با آنها همدست شده‌اند و سروصدا به پا کرده‌اند...»

عین‌الدوله در ادامه به شاه می‌گوید: «می‌خواهم این مفسده‌جویان را که می‌خواهند دین و آئین ما را از بین ببرند و حکومت جمهوری در کشور اسلامی برپا کنند تنبیه کنم و آنها را به هر کجا که می‌خواهد بفرستم تا مردم تهران راحت شده و به کسب و کار خود برسند و دعاگوی وجود مبارک علیحضرت حمایون خواهند بود.»
و شاه بیدار از همه جایی خبر نیند در پاسخ می‌گوید: «کاری بکنید به مردم صدمه وارد نشود.»
و این یعنی تأیید کارهای عین‌الدوله. این خبر به این صورت به شهر رسید که شاه به عین‌الدوله اجازه داده است که این جماعت را بپارکندۀ و متفرق سازد که باعث ترس و وحشت آقایان و علما در مسجد شد. حسن‌المتین که چند ماه بعد این حوادث را به نقل از سیدحسن برادر صاحب روزنامه منتشر می‌کند از نیت عین‌الدوله برای حمله به مسجد چنین می‌نویسد: «بنا بود سراز بریزد و چهار نفر را در مسجد زنجیر کنند و بیاورند و در خانه‌هایتان بزم و نظر به ارادت باطنی خود شما را با احترام به خانه‌هایتان برمی‌گردانم.»
آنان نیز در پاسخ گفتند: «تا سراز ناپاید و ما را مجبور نکند به خانه‌های خود برنمی‌گردیم. یا باید عدالتخانه برپا شود و یا ما را بکشید.»
ناصرالسلطنه که بیم آشوب و فتنه بیشتر می‌داشت مسجد را ترک کرد و آن شب نیز به سختی بر علما و نزدیکانشان گذشت و اگر نبودن سربازانی که ارادت داشتند به علما شاید آنها باید فشار بیشتری را تحمل می‌کردند.

منابع:
– ملک‌زاده تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۲، ص ۳۶۲
– ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، جلد ۳، صص ۴۹۱ و ۴۹۰
– احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۰۴